

بازتاب دفاع مقدس در اشعار سیمین دخت وحیدی

اکرم جهانگیریان^۱، منیژه فلاحی^۲، رضا فهیمی^۳

چکیده

ادبیات جنگ با شلیک اولین گلوله آغاز می‌شود و با پایان جنگ به بلوغ می‌رسد، ادبیات دفاع مقدس نه ثبت تاریخ است و نه ثبت وقایع جنگ بلکه شرح احوال درونی و بیرونی زنان و مردانی است که برای حفظ شرف و حیثیت و فضایل انسانی در مقابل تجاوزگران به کرامت‌های انسانی به پا خاسته‌اند و قلم‌ها شرح رشادت‌ها و ایثارگری‌ها و ظلم‌ستیزی آن دلاوران را به صورت آثار ادبی ثبت می‌کند. ادبیات پایداری انعکاس‌دهنده پایمردی یک ملت یا قوم در برابر هرگونه تجاوز و ظلم و ستم است. همچنین برجسته کردن پیام‌های انسانی از جمله آزادگی و حق‌خواهی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی، وطن‌دوستی، ایثار و استقامت است. در این نوع ادبیات شاعر و نویسنده به دنبال زبانی‌ست که با همه مردم جهان گفت‌وگو کند؛ لذا پیام‌های انسانی حادثه‌ای چون جنگ را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌دهد. در این پژوهش برآنیم تا با روش تحلیلی توصیفی به بررسی بازتاب دفاع مقدس در اشعار سیمین دخت وحیدی بپردازیم. مضامین پایداری در شعر این شاعر، ستایش آزادی و آزادگی، دعوت به مبارزه، ظلم‌ستیزی، مقاومت در برابر بیگانگان و تلاش برای رهایی سرزمین خویش است. از این رو تحقیق حاضر جستاری است جهت بررسی اندیشه‌ها و جلوه‌های پایداری و بازتاب دفاع مقدس در شعر این شاعر فراروی خوانندگان قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی

دفاع مقدس، جنگ، وطن، سیمین دخت وحیدی.

مقدمه

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه akram.jahan398@gmail.com
۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، (نویسنده مسئول) mahdisfallahj@gmail.com
۳. ستادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، (استاد مشاور) fahimi.ltr@gmail.com

ادبیات پایداری به مجموعه آثاری گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن با تکیه بر ویژگی ملیت با دین، انسان‌ها را به دفاع و مبارزه در برابر هر نوع استبداد، تحقیر، بندگی و بردگی ترغیب و تشویق کند یا صحنه‌های نبرد و تبعات آن را توصیف نماید (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۱). گرچه علاوه بر ملیت و دین مسائل انسانی و جهانی نیز می‌تواند موضوع ادبیات پایداری قرار گیرد.

ادبیات پایداری دارای عناصری که از نگاه بصیری «عنصر اساسی ادبیات پایداری متعهد است». تعهد در برابر حیات معنوی و مادی و عنصر دیگر ادبیات پایداری، مردم و عنصر دیگرش تحولات و تلاطمات اجتماعی و علاوه بر آن پیشروان فکری جوامع هستند که به دلیل توانایی در بهره‌گیری از ابزارهای ادبی، در آفرینش ادبیات پایداری نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی تدریجی آن است (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶).

ادبیات مقاومت بازتاب برخی دردهای مشترک میان تمام جوامع بشری است. شاعران به عنوان وجدان آگاه جامعه آن‌ها را فریاد می‌زنند و یاد کردشان جوشش خمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹). شعر دفاع مقدس، هدف‌دار و سازنده و پرشور و تپنده است. شعری است که شمیم طراوت و سرزندگی از واژه و واژه‌های آن به مشام می‌رسد و از یاس و سرخوردگی احساسات سطحی و آرزوها و امیال حقیر بشری در آن اثری نیست شعر امید و حرکت و آرمان‌های مقدس و اهداف والاست (کاکائی، ۱۳۸۰: ۵۲).

سیمین دخت وحیدی با سرودن اشعار فراوان درباره جنگ و دفاع مقدس تعهد و وفاداری خود را به انقلاب نشان داد. شعرهای او همگی در قالب کلاسیک بود و بیش‌تر به غزل متمایل است. از جمله آثار او: هورد (۱۳۴۶)، یک آسمان شقایق (۱۳۷۴)، حس می‌کنم زندگی را... (۱۳۷۵)، موج‌های بی‌قرار (۱۳۷۵)، کوثر ۲، گزیده‌ی ادبیات معاصر مجموعه‌ی شعر، شماره ۱۸- (۱۳۷۸)، هشت فصل سرخ و سبز: شعر پایداری (۱۳۸۱)، لاله‌های داغدار، چشم بیمار، غم دلداز.

وی می‌گوید: «برای شناخت ماهیت شعر هر کس تعبیری خاص دارد و گاهی شعر را آیین زندگی دانسته‌اند و گاهی گفته‌اند سربلندی بشر است یا گفته‌اند زبان احساس است. شعر دفاع مقدس یا شعر مقاومت امروز از سرچشمه زلال اندیشه‌های ناب جوانان و نسل امروز نشأت می‌گیرد که با رعایت تکنیک و کاربرد واژه‌های جدید و ترکیبات تازه و حفظ دیگر عناصر لازم شعری حاکم بر فرهنگ این مرز و بوم جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده که در هیچ‌یک از دوران تاریخ این سرزمین همانند آن دیده نشده بود.»

ادبیات دفاع مقدس جریانی ویژه خود را در دل ادبیات بعد از انقلاب پدید آورده است. (ژانرهای ادبی متنوعی آفریده است). شعر مقاومت در سراسر حیات خود در این سرزمین تمام دگرگونی‌هایی را که در جریان تحولات اجتماعی به وقوع پیوسته است، با دقت و حساسیت زیاد بیان نموده و آرمان‌ها و ارزش‌های انسان‌دوستانه‌ای را که در ایران شکل گرفته، بازتاب می‌دهد. درواقع می‌توان گفت ادبیات مقاومت آینه تمام‌عیار مقاومت مردم یک جامعه در برابر تهدید و هجوم بیگانگان و دشمنان داخلی و خارجی است. به‌خصوص در شعر بانوان که با لطافت روح و با شعور شاعرانه و انقلابی، خشونت‌های جنگ را در قالب شعر بیان می‌کردند و آن را در ظرف احساس و شعری خود قرار می‌دادند. در پژوهش حاضر، انگیزه نگارنده از پرداختن به شعر دفاع مقدس، بررسی و بازتاب این واقعه‌ی عظیم و مهم در اشعار سیمین دخت وحیدی است.

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های مختلف کتابخانه‌ای و انجام‌شده کار تحقیقاتی یا رساله‌ای به صورت کامل، جامع در راستای بازتاب شعر دفاع مقدس در شعر شاعر موردنظر صورت نگرفته فقط در برخی از پژوهش‌ها آثار شاعران به صورت محدود کار تطبیقی یک شاعر با دو شاعر دیگر صورت گرفته (به خصوص شاعران عرب در مقالات و پایان‌نامه‌ها). کتابی با نام «زندگینامه و خدمات ادبی و فرهنگی شعر سپیده انقلاب اسلامی، بانوی فرهیخته مرحومه سپیده کاشانی» با گردآوری مقالات مختلف توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به بازار عرضه شد که در ادامه به نتیجه‌گیری

مقاله «بررسی ویژگی سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی» نوشته دکتر محمود صادق‌زاده پرداخته می‌شود.

علیپور پرویزیان (۱۳۸۸) پایان‌نامه «بازتاب دفاع مقدس در شعر سه بانوی شاعر (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمیندخت وحیدی)» را در دانشگاه الزهراء دفاع کرده است.

حسن‌خانی (۱۳۸۹) پایان‌نامه «تصویرآفرینی در شعر شاعران زن طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمین دخت وحیدی، فاطمه راکعی» را در دانشگاه کرمان دفاع کرده است.

ورناجی (۱۳۹۲) پایان‌نامه «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)» را در دانشگاه باهنر کرمان دفاع کرده است. نویسندگان از این پایان‌نامه، مقاله «نگاهی سبک‌شناسی به غزلیات سیمین دخت وحیدی» را در سال ۱۳۹۳ در مجله بهار ادب چاپ کرده‌اند که صرفاً بررسی سبک شعری شاعر در غزل بوده و به روش تحلیل زبانی - محتوایی به تحلیل ویژگی‌های بارز سبکی غزل‌های این شاعر پرداخته‌اند.

سورانی حیدری و همکاران (۱۳۹۸) مقاله «تحلیل مقایسه‌ای ساختار و محتوای شعر شاعران زن معاصر؛ مطالعه موردی: صفارزاده، راکعی، کاشانی و وحیدی» را در مجله فنون ادبی اصفهان چاپ کرده‌اند.

مقاله‌ای با عنوان بررسی نقاط قوت و ضعف شعر «سید حسن حسینی» از نظر تصویر، زبان و مضمون در مجموعه «هم‌صدا با حلق اسماعیل» توسط رحیمی و همکاران نوشته شد. نتایج نشان داد شاعر این مجموعه در پرداخت وقایع تأثیرگذار عرصه جنگ، از لحن و بیانی ساده، صمیمی و بی‌تکلف مدد می‌گیرد و این موضوع در بسیاری موارد به اصالت و زیبایی شعر او آسیب می‌رساند.

پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «بازتاب نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین (ع) بر شاعران دفاع مقدس با تأکید بر اشعار علی موسوی گرم‌رودی سید حسن حسینی و علیرضا قزوه» توسط ایمانی‌نژاد (۱۳۹۴) انجام شده است که نتیجه این پژوهش آن است که اندیشه‌ها و مؤلفه‌های امام علی (ع) بر اشعار دفاع مقدس تأثیر قابل‌توجهی داشته است.

پایان‌نامه دیگری با عنوان «تحلیل و بررسی اشارات و مفاهیم قرآنی در آثار علمی موسوی گرمارودی، علی معلم، قیصر امین پور و سیدحسن حسینی است که توسط حسینیان (۱۳۹۶) نگاشته شد. در این پایان‌نامه به بررسی و اثرگذاری قرآن در شعر شاعران مذکور می‌پردازد و شیوه بهره‌وری از قرآن را در شعرشان بررسی می‌کنند. این بهره‌گیری عبارت‌اند از استفاده از سوگند به سبک قرآن، استفاده از اصطلاحات و تلمیحات قرآنی و استفاده از سوره‌های قرآن به عنوان نام شعر است.

شعر دفاع مقدس نزدیک به یک دهه از شعر انقلاب را به خود اختصاص داده است. ویژگی‌های ساختاری و محتوایی این دوره از شعر فارسی از آنجاکه تحول قابل توجهی نسبت به شعرای ادوار گذشته دارد؛ نیازمند شناختن و شناساندن دقیق و تحقیق و انتقال آن به نسل‌های آینده است. شاید گذشت زمان، برخی از مفاهیم دوران جنگ را کم‌رنگ کرده یا به دست فراموشی سپرده است؛ اما حفظ این گنجینه ارزشمند و انتقال فرهنگ پایداری مبتنی بر آموزه‌های اسلام به آیندگان از طریق مطالعه، تحلیل و تحقیق در ادبیات دوران جنگ، امری است که می‌تواند این میراث گران‌بها را به آنان منتقل کند و همچنین با توجه به تعداد آثار شاعران توانمند کشورمان در این راستا ضروری است که پژوهشگران و محققان در این زمینه رغبت بیشتری نمایند و هر کدام از شعرای این دوره با خلق جلوه‌های زیبا، واقعیات جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را در قالب شعری خود به زیبایی بیان نمایند.

مبانی نظری پژوهش

«شعر مقاومت آمیزه‌ای از عشق و عرفان و حماسه است. آزاد و رها اما متعهد و مسئول شعر انقلاب و قلمرو حماسه و اندیشه‌های حماسی تکوین یافته که درخشان‌ترین نمایه‌های حماسی آن عبارت است از عاشورا، جنگ تحمیلی، شهادت، مبارزه، ایثار» (بیگی، حبیب‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۶۵-۱۲۶۷).

«شعر پایداری، جدا از دلالت‌ها موضوعی از منظر فلسفه و علوم نظری به شعری اطلاق می‌شود که محصول همدلی مردم میهن یا قومی در برابر گونه‌ای تجاوز به ملیت بشری است.

ادب پایداری در معنای جنگ با بیگانه بازتاب روحی - روانی نسلی است. ایستاده در مقابل یک رویداد تاریخی و مشارکت آن نسل در همدلی و همراهی یکدیگر» (کاکائی، ۱۳۸۰: ۹). ادبیات دفاع مقدس به مجموعه نوشته‌ها و سروده‌هایی گفته می‌شود که درون‌مایه و موضوع آن به مسائل هشت سال دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن بازمی‌گردد. در نگاهی وسیع‌تر می‌توان طیفی گسترده‌تر و جغرافیایی فراخ‌تر برای این عنوان تصور کرد (سنگری، ۱۳۸۰: ۵).

و شاعر وجدان عصر خویش و تاریخ بشر است. (امین‌پور، ۱۳۸۴: ۲۹۶). وحیدی را در میان شاعران معاصر باید در گروه شاعران کلاسیک سرا قرار داد. بسامد سبکی اشعار او در قالب‌های غزل، مثنوی، چهارپاره، دوبیتی و رباعی است. البته شعر نو هم سروده است، از منظر سبکی، گرایش به شعر نو ندارد و همانند شاعران جریان سنت‌گرا، به اقتضای زمانه شعر نو سروده اما غالب اندیشه‌هایش در قالب کلاسیک است. این جریان شامل ۲ شاخه در سنتی پردازان «اصیل» و جریان «شعر نیمه سنتی» است. (رزقانی، ۱۳۹۱).

وی شاعری صمیمی و مردمی است که با زبان روزمره، اندیشه‌هایش را سروده است؛ اشعار این شاعر در حقیقت دربردارنده احساسات ناب عاشقانه وطن و قیام انسان در برابر ظلم و تاریکی است. موضوعاتی که در اشعار وی مطرح می‌شود بیان‌کننده رویدادهای اجتماعی است که انسان را به عنوان محرک اصلی آن‌ها در نظر گرفته است. کانون توجه این شاعر بیان رخداد‌های مختلف اجتماعی و تناقض‌های جهان مدرن است؛ که هر لحظه گریبان گیر نسلی از ملت می‌شود و آن‌ها را به ورطه نابودی می‌کشاند. همچنین بیان شعری جنگ و خونریزی و ویرانی‌های آن و مبارزه مردمی در برابر آن برای تحصیل صلح و زیستی رسالت اجتماعی این شاعران است که در اشعارشان منجر به ظهور زمینه‌های پایداری شده است.

روش پژوهش

با توجه به اینکه این تحقیق از نوع نظری است؛ شیوه پژوهش نیز کتابخانه‌ای است. ابعاد این تحقیق در سطح چهار دیوان شعر از این شاعر برجسته دفاع مقدس است و کتاب‌هایی که در

وصف آثار وی به قلم دیگر نویسندگان به رشته تحریر درآمده است بررسی می‌گردد. همچنین در این بررسی از مقالات و پایان‌نامه‌های مربوط به این زمینه استفاده می‌شود. داده‌های مهم در مورد شاعر و تأثیرات دفاع مقدس بر اشعارش به صورت فیش جمع‌آوری شدند.

یافته‌های پژوهش

اشعار وحیدی در سطح زبانی - در موسیقی بیرونی و کناری، مطابق با عروض و قافیه متداول شعر فارسی است. فقط در مواردی در مثنوی از اوزان بلند استفاده کرده است. در موسیقی درونی، آرایه تکرار پر بسامد است.

آمیختگی زبان ساده نزدیک به زبان گفتاری بالحسن عاطفی، اهمیت گفتار، جمله‌های ساده و کوتاه زبان وی را در سطح لغوی و نحوی به زبان زنانه نزدیک کرده است. در سطح ادبی تشبیه مفصل، اضافه تشبیهی و تشخیص پر بسامد است. در سطح فکری محتوا را اشعار شامل مضامین پایداری با توصیف، جنگ، وصف شهید، رزمندگان، بسیجیان، مسلمانان جهان و مضامین دینی به صورت سوگ سروده و منقبت ائمه معصومین است. این دو مضمون شاخه سبک فکری شاعر است.

بحث و بررسی

۱. بازتاب دفاع مقدس در اشعار سیمین دخت وحیدی

شهید و شهادت

ترکیب و کلماتی همچون شهید و شهادت در شعرهای سیمین دخت کم نیستند: به بزم لاله و گل بنشین / شهید و شاهد ما را بین که خوانده‌اند به سرمستی / سرود عشق و وصال اینجا (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

در غزل «بی‌صدا» بسیجی را به غنچه‌ای تشبیه کرده که پیش از شکفتن زخمی می‌شود و پر شدن گل را استعاره از به شهادت رسیدن نوجوان بسیجی می‌داند. او به این نوجوان سوگند یاد می‌کند و از این تحول عظیم بسیار متعجب است.

به نوگلی که یک شبه ره صد ساله می‌رود/ به غنچه‌ای که قبل از اینکه گل شود، شهید می‌شود (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۷۷).

همچنین وحیدی در مثنوی «رقص در خون» همان احساس مادرانی را دارد که فرزندانشان در جبهه‌ها به شهادت رسیدند و آنان را جان خود می‌داند:

شهیدان همه جان من بوده‌اند/ گل باغ دامان من بوده‌اند (وحیدی، ۱۳۸۱: ۴۹)

و همچنین در بیتی از غزل «دانه‌های نور» شهیدان را به ستاره‌هایی تشبیه می‌کند که از کهکشان می‌گذرند:

هزاران کوکب تابان، هزاران اختر رخشان/ ز کهکشان شهادت کند عبور امشب (همان: ۱۷۴).

خون و خونین

وحیدی در غزل «باغ عرفان» از زبان خود شهیدان به توصیفشان می‌پردازد:

صفحهٔ تاریخ را با خون ما آذین کنند/ لاله‌های پر پر دامان ایرانیم ما (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

در غزل «صد برکه نور» ترکیب‌های شط خون، واژهٔ خونین در دو بیت متوالی چنین آمده است:

از شط خون چو می‌گذرید ای کبوتران/ خواند به قرب خویش شما را خدایتان

صدها سبد ز واژه خونین فراهم است/ کو آن زمان که شرح دهم ماجرایتان (وحیدی، ۱۳۸۱:

۱۵۵).

درواقع واژه خون در بیت اول پلیست میان شهیدان و خدا که خداوند خود آنان را نزد خویش دعوت می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

لاله و لاله‌زار، شقایق و شقایقانه

در ادبیات فارسی واژه گل سرخ نماد شادابی، طراوت و شوق زندگی‌ست. وحیدی در مثنوی

«شقایقانه» لاله را سنبل انسانی می‌داند که بی‌گناه در راه حق کشته می‌شود و ایران چون باغی‌ست

که هزار لاله در دامانش می‌سوزد:

هزار کوکب از این درد و داغ می‌سوزد/ هزار لاله به دامان باغ می‌سوزد (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵).

همچنین در مثنوی «اهل خدا» شاعر خطاب به رزمندگانی که به شهادت رسیده‌اند، چنین می‌گوید:

صفا مردان سبزآیین کجایید؟ / شقایق‌های عطرآگین کجایید؟ (همان: ۲۹).

در شعر سیمین دخت لاله و شقایق هر دو نماد مرگ سرخ، شهید و شهادت است.

درخت نخل

درخت نخل نماد جوانان و رزمندگان و نخل‌های بی‌سر نماد شهیدان، به ویژه شهیدانی که سرشان از تن جدا شده، است. ز سوی دیگر نخل درخت راست قامتی است که خم نمی‌شود پس نماد ایستادگی و استواری است. نماد رزمندگانی که تسلیم نمی‌شوند و در برابر دشمن ایستادگی دارند. در غزل «شب بوها» نخل استعاره از رزمندگان و شهیدان است. به شهر سوخته‌ام زخمی، اگر که مانده به جا، اما/ به هر طرف نظر اندازم، هزار نخل تناور هست (همان: ۱۷۹).

در مثنوی «شهر پیکر سوخته» تصویر نخل‌های ایستاده در دیدگان شهر سوخته موج می‌زند و سرشان در اثر اصابت خمپاره و ترکش افتاده است: ایستاده در نگاه خسته‌ات/ نخل قد افراشته، سر سوخته (همان: ۱۰۴).

جانباز و جانبازان

وحیدی در غزل «وصف عشق» سلحشوری و حماسه‌آفرینی را به ذهن متبادر می‌کند. ردیف «نمی‌گنجد» به نوعی ناتوانی شاعر را در بیان اوج گرفتن موصوفش نشان می‌دهد. حتی اوج گرفتن رزمنده تا مقام جانبازی نیز در محدوده مفهوم بال و پر نمی‌گنجد. در این غزل دلیل عدم توصیف مستی جانباز آن است که از شراب عشق ولایت اهل بیت (ع) نوشیده و سرانجام در مقطع غزل دوباره به عجز توصیف جانباز می‌رسد.

صعود روح تو در بال و پر نمی‌گنجد	بزرگی تو در این مختصر نمی‌گنجد
که مستی تو در این رهگذر نمی‌گنجد	شراب عشق ز خمخانه ولازاده‌ای
به هیچ دفتر و ذهن و اثر نمی‌گنجد	وفا و همت و ایثارت ای بهار بلند

مگو به وسعت دردت شبی بیندیشم
 به حجم طاقت من این قدر نمی گنجد
 چگونه وصف تو گویم در این کلام حقیر
 که وصف عشق به گفتار در نمی گنجد
 زلال عشقی و ایمان محض و نور یقین
 حقیقت تو در این مختصر نمی گنجد
 (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

۲. نمادها و اسطوره‌های خاص در شعرهای دفاع مقدس وحیدی

آینه و آب

آینه در شعرهای دفاع مقدس وحیدی در مفهوم دل و روح پاک، باور و یقین خالص، نور و روشنایی به کار رفته است. در مثنوی «هزار پنجره» در بند سوم که شاعر از دل غمگین و داغدار سخت می گوید، ترکیب ضمیر آینه به معنی دل و درون آمده است:

شکوفه‌های به و سیب را که پرپر کرد!
 ضمیر آینه را این چنین مکدر کرد!
 (وحیدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

در غزل «بهار» ترکیب آیه باور به معنی ایمان و یقین خالص و شفاف است:

جان را به بوی عشق معطر کن / دل را ببر به آینه باور (وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۱).

همچنین در غزل «صبح فردا»، آینه را می توان نماد دل پاک دانست، دلی که در غم از دست دادن رزمندگان تیره و مکدر شده است:

لحظه روشن تکثیر گل و سبزه و عشق / تیره شد آینه و آینه گردان گم شد (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۸)

در غزل «گام صبور»، سه واژه آب، آینه و نور در یک مصرع مفهوم نور و زلالی و روشنایی را تداعی می کند و با واژه‌های روز، شکوفایی، ظهور و طلوع ارتباط معنایی دارد.

به روزهای شکوفایی و ظهور و طلوع / به سمت آینه و آب و نور برگردیم (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

وحیدی در مثنوی «رقص خون» با ترکیب آیین آینه به صفت درخشش و انعکاس آینه توجه کرده و رزمندگانی که مادیات را رها کردند و آماده فداکاری شدند را به آینه تشبیه کرده است.

به آنان که سر تا پا جان شدند / به آیین آینه تابان شدند (وحیدی، ۱۳۸۱: ۴۶).

در غزل «رنج باستانی» چشم رزمندگان را به آینه‌ای تشبیه کرده که می‌توان انعکاس رنگ آبی آسمان را در آن دید:

دیروزها دیدیم روز مهربانی را / در چشم هر آینه رنگ آسمانی را (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).
در مثنوی «خون هابیل» آینه نماد حق است و کفر مانند سایه‌ایست که روشنی آینه را تیره می‌کند:

یک جهان کفر به آیین سحر تاخته است / سایه بر روشنی آینه انداخته است (وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۶).

کبوتر

اسطوره‌های کهن نشان می‌دهند که کبوتر را پیک ناهید نیز می‌نامیدند و مجسه‌هایی که از کبوتر و قمری در خوزستان و جاهای دیگر ایران پیدا شده، همگی رمزی از ناهیدند (یاحقی، ۱۳۸۸: ۶۶۱). در شعرهای وحیدی کبوتر نماد روح رزمندگانیست که در راه دفاع از مذهب و میهن خود، کشته شدند و چون کبوتر پاک و سبک‌بال به سوی آسمان‌ها اوج گرفتند.
در غزل «بی‌صدا»:

قسم به آن کبوتری که بی‌صدا شهید می‌شود / به لاله‌ای که در نماز عید ناپدید می‌شود (وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۷).

در غزل «کاروان شهادت» روح به کبوتر تشبیه شده است:

رفتند چون کبوتر از این بام / بالاتر از ستاره و حورند (وحیدی، ۱۳۸۸: ۱۹۹).
در غزل «نخل‌های سر بریده»:

از رد پرواز کبوترهای عاشق / خطی برای یادگاری مانده اینجا
در مثنوی «تا همیشه»

بیار ای چشم در گلزار باور / کبوتر، بال زخمی، نخل بی‌سر

رنگ

در شعرهای دوران دفاع مقدس وحیدی چند رنگ برجسته شده که هر یک گویای موضوعی است. یکی از پرکاربردترین رنگ‌ها در شعرهای وحیدی رنگ سرخ خون است که هم نماد

زندگی و هم نماد مرگ است. آنجا که ریخته می‌شود نماد مرگ و آنجا که در بدن می‌ماند نماد زندگی است. در غزل «اذان خون» رنگ سرخ آمده است که نشانه خون سرخ شهادت باشد. در بیت ذیل وحیدی به نماز عشق حلاج اشاره دارد که وضوی آن با خون است. نماز سرخ تولا بخوان که شاخه تکبیر/ گرفته جوش سراپا ز برگ و باد بهاران (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۹).

در غزل «صبح فردا» گل سرخ نمادی از شهید است و شاعر واژه داغ را در این بیت آورده که یکی از ویژگی‌های آن سرخی است. کوچه از داغ تو ابری شده بود ای گل سرخ/ که در آن ابر، خیال و باران گم شد. (وحیدی، ۱۳۸۱: ۹۸).

در غزل «گام صبور» رنگ سیاه اشاره به وابستگی‌های دنیا دارد که شاعر خلاصی از آن‌ها را جز با حضور در میدان‌های نبرد و یادآوری آن دوران نمی‌داند. از این سیاهی سنگین عبور ممکن نیست/ مگر به همت گام صبور برگردیم (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

در غزل «صد برکه نور» رنگ سبز نشانه حیات دوباره است. ای نبضتان تپیده‌تر از نبض نوبهار/ سبز است باغ هستی ما از صفایتان (وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵۴).

۳. مقام زن در شعرهای وحیدی

وحیدی در مثنوی «رمز و راز تمام دنیا» ارزش‌ها و سیمای معنوی زن را توصیف می‌کند. در این مثنوی حرکت امواج و ترنم زیبای آرامش دریا در وسعت نگاه زن است و تمام اسرار دنیا در نگاه زن خلاصه می‌شود.

ای زن، ای رحمت خداوندی/ نور ایمان، فروغ خرسندی

ای زن، ای صبح روشن امید/ ای شکوه صداقت خورشید

در نگاه تو شعر دریاهاست/ رمز و راز تمام دنیاهاست (وحیدی، ۱۳۸۱: ۵۷).

از آنجاکه زن دوران دفاع مقدس با زنان حادثه کربلا پیوند می‌خورد؛ باید مانند حضرت زینب (س) گویای این واقعه باشند:

تویی ای زن زبان عاشورا زینب کاروان عاشورا
تو پیام‌آور شهیدانی حرمت عشق را تو می‌دانی
تو نگهبان مکتب روزی شعله آتش ستم سوزی

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۵۹ - ۵۸).

در این بیت سیمین دخت هژیر بیشه عشق ترکیبی از واژه‌های حماسی و عاشقانه است. زن سرشار از عاطفه و احساس چون شیری از بیشه عشق نگهبانی می‌کند.

تویی ای زن هژیر بیشه عشق / دل تو جای رشد ریشه عشق

و در جای دیگر زن را فرشته عشق که نماد لطافت و پاکی زن در دنیاست؛ معرفی می‌کند.

سربلندی تو ای فرشته عشق عزم جزم تو شد فرشته عشق

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۶۱).

در بیت زیر وحیدی زنان شهید دوران دفاع مقدس را به آل قرآن تعبیر می‌کند:

الهی دلم را سحرساز کن / و با آل قرآن هم‌آواز کن (وحیدی، ۱۳۸۱: ۵۰).

در مثنوی «قسم» از زبان رزمنده‌ای که با مادر خود سخن می‌گوید، این گونه می‌سراید:

قسم به اشک تو مادر که مرد جنگ منم به گاه حادثه‌ها سخت‌تر ز سنگ منم

گمان مبر که من آرام و رام می‌میرم من آتشم که جهان را به کام می‌گیرم

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۷۴).

همواره انسان برای اثبات خود به اشیا و موجودات مقدس قسم می‌خورد. به نظر می‌رسد که مقدس‌ترین و عزیزترین موجود در زندگی انسان‌ها مادر است. او به اشک مادر قسم یاد می‌کند که من مرد میدان نبرد هستم و در برابر حوادث ناشی از جنگ از سنگ مقاوم‌تر هستم. جوانی نیستم که در برابر دشمن، بی‌سلاح و دفاع ایستاده باشم و با حمله دشمن تسلیم شوم و آرام مرگ را بپذیرم. خشم من چون آتشی است که دنیایی را می‌سوزاند. آنکه خبر رسیدن پیروزی و آغاز روشنایی را می‌دهد، فرزند مقاوم تو است.

۴. رمانتیسیم در آثار سیمین دخت وحیدی

شعرهای وحیدی همه از امید حرف می‌زند. با توجه به تغییراتی که طی دوره‌های مختلف در جامعه ما شکل گرفت شعر و اندیشه شاعر نیز تازه‌تر و گسترده‌تر شد و این تازگی و گستردگی در اشعار و قلم خانم وحیدی کاملاً هویدا است. ایشان در زمانه‌ای شعر گفتند که شعر انقلاب هنوز شکل نگرفته بود و حوزه هنری جزو معدود مراکزی بود که در این زمینه فعالیت می‌کرد و ایشان نیز همراه دیگر شاعران در این زمینه شروع به کار کرد. ایشان در اشعارشان از کلمات و تعبیری استفاده کردند که امروز به عنوان نمادهایی در زمینه شعر انقلاب برشمره می‌شوند. ایشان اتفاق‌های تازه‌ای را در ادبیات ایران شکل دادند. خانم وحیدی در زمانه‌ای به سرودن از انقلاب پرداخت که بسیاری از نگاه‌ها در آن زمان ایشان را همراهی نمی‌کرد؛ کار ایشان یک جهاد ادبی بود.

۵. امام خمینی (ره) در شعر سیمین دخت وحیدی

نام امام خمینی (ره) به صراحت در شعرهای وحیدی آمده است و گاهی با نام‌های استعاری به وی اشاره شده است. مثل حسین (ع) و خضر (ع) و گاه هم از شوق اطاعت ایشان را پیر و مراد و مرشد نامیده‌اند. در مثنوی «خون هابیل» اطاعت از امام خمینی (ره) را سرلوحه اهداف قرار داده است.

آری این راه دراز است و به جان می‌پوییم
ما به دل تا به ابد عشق خمینی داریم
تا ابد هر چه گفتم همان می‌گوییم
سر به فرمان تو ای پیر خمینی داریم

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۳۸).

و در قصیده «بهار» خضر استعاره از امام خمینی است که برخی از او اطاعت نمی‌کنند و سر دشمنی با او دارند ولی وحیدی می‌گوید که برای ما امام خمینی چون پیریست که اطاعتش بر ما واجب است:

ای راه را نرفته نمی‌دانی
من سرخوشم این‌که در این وادی
تدبیر خضر و خامی اسکندر
او از مقام کشف و شهود آمد
پیری دلاور است مرا رهبر
او برفکند از سر شب معجز

او متصف به خلق علی باشد
او رهنمای جاده توحید است
این عزم، عزم قافله سالار است
آری شکوه گام تو را شاید
او را بود ز مشی نبی جوهر
فرمانده است و هادی و روشنگر
باید که راند قافله را تا مشعر
این دشت داغ و این ره پر آذر
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۴).

۶. اسامی مکان‌های مقدس

در مثنوی «شقایقانه» شاعر مانند یک دوست صمیمی با خرمشهر به گفت‌وگو پرداخته است. به قدری این شهر برایش عزیز است که در شعرش به او سلام داده و این موضوع بیانگر میهن‌دوستی و ارق ملی اوست.

دوباره مثنوی و کوجه‌های خرم تو
دوباره شعر عطش در هوای زمزم تو
به خاک خرم شهرم سلام می‌گویم
دوباره درد دلی ناتمام می‌گویم
شروع مثنوی و نام سبز خرمشهر
و خامه من و پیغام سبز خرمشهر
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۱).

وی در بیتی از مسجد نام برده که منظور مسجد جامع خرمشهر است و اشاره به جمله معروف امام خمینی (ره) دارد که: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.»

خدا ز مسجدمان کفر را فرار نداد؟
به دست ما و شما شهد خوشگوار نداد؟
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۳).

مثنوی «رقص در خون»
به گلبانگ فریاد روح خدا
به آنان که تا حاجیان رفته‌اند
از آن خطه تا بی‌کراں رفته‌اند
به آنان که از قلب ام‌الرصاص
تو را سجده کردند با شور خاص
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۴۷).

کربلا

مثنوی «شقایقانه»:

ز شوق، دیوهوا را، شبی لگام زدند
به کربلای معلاى عشق گام زدند
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶).

قدس

غزل «شهید جوان»:
ستانم از آن بدگهر وادی قدس
که قدسی است، محراب من، سنگر من
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

اسامی خاص مذهبی و شهیدان دفاع مقدس

در شعر وحیدی اسکندر نماد عدم توفیق با کوشش است و خضر نماد جلب توفیق الهی با کشش آنسوییست.

ای راه را نرفته نمی‌دانی
تدبیر خضر و خامی اسکندر
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۴).

منظور از خضر در این بیت استعاره از امام خمینی (ره) است که از جانب خداوند برای انجام امر مهمی مأمور شده و اسکندر استعاره از رهبرانیست که برای به دست آوردن قدرت، به جنگ می‌پردازند.

در قصیده «بهار» به ابوذر که از صحابه مشهور پیامبر (ص) اشاره کرده که او را در راستی گفتار مثال می‌زنند.

مظلوم، خلق ماست که بر ظالم گاه علوم انسانی و مطالعات فنیغ زبان کشیده چنان بوذر
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۸۳).

علاوه بر مکان‌های خاص وحیدی به نام‌های خاص دینی، نام شهیدان و فرماندهان که در جنگ تأثیر به‌سزایی داشتند در شعرهایش به چشم می‌خورد. مثلاً وصف دلیر مرد دانشمند، شهید چمران.

سرباز همیشه فاتح میدان بود	شیراوژن و شب شکار و باایمان بود
سردار بدون ادعا «چمران» بود	خواندند پرنده‌ها که هنگام نبرد
آن مرد همیشه مهربان «چمران» بود	همزاد بهار جاودان «چمران» بود

آن کس که سوار بر شب، به گردش نرسید
خورشید هزار آسمان «چمران» بود
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

در مثنوی «اهل خدا» به چند نام آشنای شهیدان همچون حاج ابراهیم همت، شهید حسن باقری، شهیدان بقایی، مهدی باکری و مهدی کریمی اشاره کرده است.

من امشب آسمانی باژگونم
تو دریا شو که موجی از جنونم
بیا تا «حاج همت» پر بگیریم
که در دنیای بی دردی نمیریم
تو همت کن که همت یک جهان است
جهان «حاج همت» جاودان است
قسم بر عزم سخت و آهنینش
به خورشیدی که تابید از جبینش
به آن بازو که تا «فتح المبین» رفت
به آن گامی که اعجاز آفرین رفت
به آن آزاد مردان صمیمی
«بقایی»، «باقری»، «مهدی»، «کریمی»
جهان «حاج همت» آفتابی ست
فضای آسمانش پاک و آبی ست

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۴۲-۴۱).

در مثنوی «شقایقانه» از امیر سپهبد علی صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران یاد کرده است.

هنوز دشمن اسلام یک جهان کفر است
هنوز دشمن پروانه‌های معصومانند
هنوز دشمن این باغ و باغبان کفر است
هنوز قاتل «صیاد» های مظلومانند
هنوز پیکر شهرم پر از بت زرد است
شکوه آینه‌ام زیر پوشش گرد است
به شانه غم «صیاد» همچنان کوه است
شکسته کاخ و سپیدار پر از اندوه است
هزار کوب از این درد و داغ می‌سوزد
هزار لاله به دامان باغ می‌سوزد

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۴).

واژه هنوز در این مثنوی بیانگر این موضوع است که با اینکه جنگ تمام شده است و چندین سال از آن می‌گذرد ولی هنوز دشمن در فکر انتقامجویی از رزمندگان است؛ همچنان که سال‌ها بعد از جنگ تحمیلی، سردار صیاد شیرازی را به شهادت می‌رسانند. در همین مثنوی نام شهید محمدحسین فهمیده نیز آمده است که امام خمینی (ره) درباره او چنین گفت: «رهبر ما آن طفل

سیزده ساله‌ای است که نارنجک به کمر بست و خود را زیر تانک دشمن انداخت.» شاعر از ما می‌خواهد که چنین شهیدانی را فراموش نکنیم و مراقب اعمال خود باشیم:

مبادا آنکه ز «فهمیده» ها خجل بشویم / ز کار خویش سرافکنده، منفعل بشویم
(وحیدی، ۱۳۸۱: ۱۵).

بحث و نتیجه‌گیری

پایداری یکی از عرصه‌های مهم ادبیات است چراکه حضور مبارزان شاعر و شاعران مبارز تأثیر بسیار مهمی در پایداری مردم ایفا می‌کند. دفاع جانانه از وطن و مبارزه برای رهایی و دفع تجاوز دشمن در شعر مقاومت شاعران بازتاب یکسانی دارد و رهایی سرزمین از چنگال دشمنان و عشق به آن از اساسی‌ترین دغدغه‌های شاعران است. از سوی دیگر پایداری و مقاومت مردمی و به تصویر کشیدن اوضاع نابسامان آن از مفاهیم مشترک شعر سیمین دخت وحیدی است. پرداختن به موضوع شهادت و مفاهیم وابسته به آن همچون، مبارزان شهید، مقام شهید و ستایش آن از وجوه مشترک شعر پایداری در شعر وحیدی است. از سوی دیگر پیروزی صلح و آزادی از والاترین اهداف و آرمان‌های شاعر مقاومت ایران است.

شاعر توانسته با بهره‌گیری از عواطف صادقانه و خیال شاعرانه خویش در برانگیختن احساسات میهن پرستانه و عشق به وطن و دفاع جانانه از آن و عدم پذیرش ذلت به خوبی عمل کردند می‌توان گفت اشعار مقاومت این شاعر همچون ابزاری است که در راستای تهییج و تحریک مردم در مبارزه و دفاع از میهنشان به خوبی بکار گرفته شده است و انعکاس گسترده‌ای نیز در افق تکامل ادبیات پایداری سرزمین داشته است.

منابع و مأخذ

- امین پور، قیصر (۱۳۸۴). *سنت و نوآوری در معاصر*، تهران، چاپ دوم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ایمانی نژاد، زینب (۱۳۹۴). «بازتاب نهج البلاغه امیرالمؤمنین (ع) بر شاعران دفاع مقدس با تأکید بر اشعار علی موسوی گرمارودی، سیدحسن حسینی، علی رضا قزوه».
- بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸). *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی*. کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- بیگی حبیب آبادی، پرویز (۱۳۸۶). *حماسه‌های همیشه*، چاپ اول، تهران: فرهنگ گستر.
- حسن خانی (۱۳۸۹). پایان‌نامه «تصویرآفرینی در شعر شاعران زن» (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمین دخت وحیدی، فاطمه راکعی)، دانشگاه کرمان.
- حسینیان، علی (۱۳۹۶). «تحلیل و بررسی اشارات و مفاهیم قرآنی در آثار علمی موسوی گرمارودی، علی معلم، قیصر امین پور، سیدحسن حسینی»، دانشگاه کاشان.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *چشم‌انداز شعر معاصر ایران*، چاپ اول، تهران: ثالث.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). *تقد ادبیات منظوم دفاع مقدس*، جلد ۱ و ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات پالیزان.
- علی پور، پرویزیان (۱۳۸۸). پایان‌نامه «بازتاب دفاع مقدس: در شعر سه بانوی شاعر (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سیمین دخت وحیدی)»، دانشگاه الزهراء.
- کافی، غلامرضا (۱۳۸۷). *ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان؛ نامه پایداری*. به کوشش احمد امیری خراسانی. مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری. کرمان: اداره کل حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان*، تهران: انتشارات پالیزان.
- مکارمی‌نیا، علی (۱۳۸۴). *بررسی شعر دفاع مقدس*، ورامین، چاپ دوم، ترفند.
- وحیدی، سیمین دخت (۱۳۷۴). *یک آسمان شقایق*، تهران: انتشارات سوره مهر.
- وحیدی، سیمین دخت (۱۳۷۵). *حس می‌کنم زندگی را ...*، تهران: حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی.
- وحیدی، سیمین دخت (۱۳۸۱). *هشت فصل سرخ و سبز*. انتشارات برگ زیتون.

❖ ورناجی (۱۳۹۲). پایان‌نامه «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس» (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)، دانشگاه باهنر کرمان.
یا حقی، محمدجعفر (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی، چاپ دوم، تهران، فرهنگ معاصر.

